



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سائهای مبارزه

آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سالهای مبارزه

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (ره)

ناشر چاپی:

موسسه الارسول اکرم (ص)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سالهای مبارزه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه مؤلف
۶	فرزند میرزای بزرگ
۷	امام احیاگر این گونه ترور شد
۸	پسر میرزا تبعید می‌شود
۹	سفر عمومی
۹	رنج و آزارهایی که پدرم از حکام دید
۱۱	بحران تمدن (انسانی)
۱۲	ایدئولوژی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سالهای مبارزه

مشخصات کتاب

مؤلف: آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی (ره)

ناشر: موسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلف بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد و آله الطيبين الطاهرين. بیش از یک قرن و نیم است که دودمان شیرازی از سوی حکومت‌های متوالی تحت تعقیب، آزار و شکنجه هستند، و این مربوط به دوره تاریخی مذکور است چرا که از تحولات پیش از این تاریخ اطلاعی ندارم، همین طور از احوال و زندگی اجداد میرزا و اجداد پدرم بی اطلاع هستم. در این جا به این مناسبت بیت شعری برایم تداعی می‌شود که می‌گوید: مشردون نُفُوا عن عقر دارهم كأنهم قد جنوا ما ليس يغتفر ترجمه بیت: اینان آواره‌اند و از منزل گاهشان رانده شده‌اند، و گویی جرمی مرتکب شده‌اند که هرگز بخشودنی نیست و نیز گفته (نیکسون) در خاطراتش را بیاد می‌آوریم که گفته است: (راز قدرت آمریکا در دو قرن گذشته نهفته است؛ غرب از دو قرن پیش بر حکومت عثمانی چیره شد، آنان عمامه را به طربوش (کلاه عثمانی) تبدیل کردند. بنده جزئیات آن را در کتاب مستقلی مربوط به احوال عثمانیها ذکر کرده‌ام به هر حال حکومت عثمانی و همچنین حکومت قاجار دچار بی‌ثباتی شدند، و بی‌تردید غفلت هردو حکومت و کشیده شدنشان به دامن غرب و پشت پا زدن به اسلام آنان را به سراشیبی سقوط کشانید.) در کربلای مقدس تا این زمان هنوز محله یهود و حمام یهود و خیابان روسپیها موجود است. و این نشان دهنده آن است که عثمانی‌ها هیچ اعتنایی به احکام اسلام که زنا را تحریم کرد نداشتند، این‌ها مربوط به دوران عثمانی‌ها یعنی پیش از جنگ جهانی اول است، چرا که بعد از جنگ غرب به طور آشکار در اوضاع داخلی دو دولت عثمانی و قاجار مداخله کرد و نیز روشن است که چون سلطان تغییر کند زمان نیز تغییر می‌کند) و این نه فقط در ایران و عراق بلکه در همه سرزمین‌های اسلامی که به دو میلیارد نفر بالغ می‌شوند نمایان است. غرب محاسن اسلام را برگرفت و پیشرفت کرد همان طور که امام علی علیه‌السلام فرمودند: (الله الله فی القرآن لا یسبقتکم بالعمل به غیرکم) (نهج البلاغه: نامه ۴۷ روضه الواعظین ص ۱۳۱؛ تحف العقول: ص ۱۹۷). ترجمه: الله الله در باره قرآن مبادا دیگران در عمل کردن به آن بر شما پیشی بگیرند آیا آنها هم اکنون شورا دارند یا ما؟ آیا آنان احزاب متعدد دارند یا ما؟ در حالی که در کتاب (السبق والرمایه) می‌خوانیم که رسول اکرم (ص) مسلمانان را دسته دسته (احزاب) قرار داد (غوالی اللنال: ج ۳ ص ۲۶۶ باب سبق و رمایه، آن جا از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود: (أنا مع الحزب الذی فیه ابن الادرع). همینطور در جواهر الکلام باب سبق و رمایه). آیا، امت واحد باید برای ما باشد یا برای آنها. آنها اروپا را به کشوری تبدیل کرده‌اند که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی ندارد و میان خود برادری برقرار کردند و آزادی را گسترش دادند (البته این به آن معنا نیست که همه آزادی‌های غربی خوب است، مؤلف اشکالات آزادی‌های غربی را در کتاب (الغرب یتغیر) و (الفقه سیاسته) و دیگر کتابها ذکر کرده است.). آری ما آزادی اسلامی و برادری اسلامی و امت واحد را که صریحاً در قرآن آمده است ترک کرده‌ایم و از این رو عقب مانده‌ایم و همچنان در عقب ماندگی می‌مانیم مگر آن که همان طور که امام علی (ع) فرمودند به قرآن باز گردیم: از خداوند مسألت داریم ما را به انجام آنچه رضای اوست موفق گردانند. و هو الموفق المستعان..

فرزند میرزای بزرگ

فرزند میرزای بزرگ میرزای بزرگ سید محمد حسن، فرزندی به نام سید محمد داشت که از سید علی بزرگتر بود (وی در سال ۱۲۸۷ هـ تولد و در سال ۱۳۵۵ هـ درگذشت ایشان از شاگردان پدرشان و همین طور از شاگردان محمد فشارکی و شیخ محمد تقی شیرازی به شمار می‌روند و پس از درگذشت پیشوای انقلاب ۱۹۲۰ مرجعیت به ایشان رسید). وی به پدر خود با جان و دل خدمت می‌کرد. میرزا نیز به وی اعتماد کامل داشت، هنگامی که قضیه معروف تنباکو پیش آمد انگلیسی‌ها مشتی اوباش را برای مجازات او فرستادند آنها طوری سید را با سلاح شکننده زدند که ترقوه او شکست و چون در سامراء طبیعی که این نوع شکستگی‌ها را درمان کند وجود نداشت به ناچار وی را برای معالجه به کربلا بردند اما متاسفانه در راه و در اثر ضربات وارده درگذشت. ایشان پدر بزرگ، میرزا سید جعفر و سید محمد و سید تقی و سید هاشم هستند، و نواده‌های آنها هم اکنون در سیاه چالهای صدام زندانی هستند، آری خوی استعمار، انتقام‌جویی است یعنی در نظر ایشان (تزر وازره و زر آخری) (بر خلاف آیه مبارکه قرآن که می‌فرماید: (ولا- تزر وازره و زر آخری) یعنی هیچ کس بار گناه دیگری را بردوش نمی‌کشد. سوره انعام: آیه ۱۶۴). آری انتقام‌جویی در فرهنگ استعمار است، آنها حتی از نزدیکان هم انتقام می‌گیرند، زیرا قصد شان خشونت و ارباب است، درست برخلاف قاعده عقلایی و نیز قاعده قرآنی که می‌فرماید: (ولیکش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعافاً خافوا علیهم فلیتقوا الله و ليقولوا قولاً سدیداً) (سوره نساء: آیه ۹). و باید بندگان از مکافات عمل خود بترسند، کسانی که می‌ترسند کودکان ناتوان از آنها باقی بماند و زیر دست مردم شوند پس باید از خدا بترسند و سخن با صلاح و درستی گویند. اصولاً نمی‌گوید مشکلات پدران را فرزندان به ارث می‌برند زیرا در قوانین جزایی و دیگر قوانین قاعده اساسی (ولا- تزر وازره و زر آخری) (سوره انعام: آیه ۱۶۴؛ سوره اسراء: آیه ۱۵؛ سوره فاطر: آیه ۱۸) است اما در عالم تکوین خوب و بد به فرزندان می‌رسد و آنان را شامل می‌شود و لذا ممکن است فرزندان عقوبت شری را ببینند که پدرانشان مرتکب شده‌اند، و یا از نیکوکاری پدر بهره‌مند شوند، خداوند می‌فرماید: (الحقنا بهم ذریتهم و ما التناهم من عملهم من شیء) (سوره طور: آیه ۲۱). آنانکه به خدا ایمان آوردند و فرزندان‌شان هم در ایمان پیرو ایشان شدند ما آن فرزندان را به آنها برسانیم و از پاداش عمل فرزندان هیچ نگاهیم. و این مانند آن کسی است که گل می‌کارد و فرزندش از بوی خوش آن بهره‌مند می‌شود یا کسی که تخم مار ننگه داری می‌کند تا جایی که مار از آن تخم بیرون می‌آید و او را نیش می‌زند، البته این بهره دنیوی آنهاست چرا که در آخرت نیرنگ فقط نیرنگ بازان را دچار می‌شود (اشاره به آیه (ولا یحیی المکر السیء الا- بأهله) سوره فاطر آیه ۴۳). چرا دنیا این گونه است؟ در واقع کلیاتی که موجب اطراد علم است این را ایجاب می‌کند، پس امر دایر است، میان اطراد علم که موجب نادرستی معلومات انسان می‌شود و بین دچار ساختن فردی که مستحق آن نیست، که دومی کم زیان‌تر است ما جزئیات آن را در شرح موضوعی قرآن کریم ذکر کرده‌ایم؛ و اما استعمارگران، به زشت‌ترین وجه ممکن مرتکب آن می‌شوند، زیرا عمل، شکل واحدی دارد که دارای خاستگاه ویژه خود است. مثلاً برخاستن پیش روی فردی که می‌آید ممکن است برای گرفتن چیزی از طاقچه و نیز ممکن است برای سرزنش و یا مجازات کردن او باشد.

امام احیاگر این گونه ترور شد

امام احیاگر این گونه ترور شد مدت زیادی از نهضت تنباکو نگذشت که میرزای بزرگ از دنیا رفت و شایع شد که انگلیسی‌ها نسبت به نقش حساس میرزای شیرازی در آینده ایران و عراق آگاهی داشته و متوجه شده بودند که بودن او برای ایشان خطر آفرین است از این رو وی را مسموم کرده و به آن شکل معروف کشتند. آری این خوی دولتهای استعمارگر است آنها به همین ترتیب گاندی پیشوای هند را به دست یک هندوی متعصب به قتل رسانیدند آنها با این کار می‌خواستند هند را تجزیه کنند و از وحدت هند و پاکستان جلوگیری کنند. گاندی بر تداوم وحدت پافشاری داشت و اظهار آمادگی می‌کرد که ریاست دولت واحد هند و پاکستان را به محمد علی جناح که اولین رئیس جمهور پاکستان شد واگذار کند. غرب به شیوه قتل علماء، توسط مزدورانش ادامه

داد به طوری که در این عصر شاهد جنایات آنها در حق سادات والامقام و رهبران اسلامی بوده‌ایم، آنان بزرگوارانی مانند سید حسن شیرازی در لبنان، سید موسی صدر در لیبی، سید محمد باقر صدر در عراق، و سید مهدی حکیم در سودان و بسیاری از دیگران را به قتل رسانیدند و خدا می‌داند که چقدر از علماء و روشنفکران دیگر را نیز به این سرنوشت دچار کردند. و از مرحوم آیت الله مرعشی (قدس سره) نقل می‌شود که ایشان در زمان انقلاب دهه بیست عراق به رهبری شیخ محمد تقی شیرازی همراه تعدادی از طلاب و علماء که به پانصد نفر می‌رسیدند راهی جهاد علیه انگلیسی‌ها شدند. مرحوم آیت الله مرعشی به مجاهدان آب می‌داد و لذا هنگامی که برای آوردن آب می‌رود پس از بازگشت مشاهده می‌کند که انگلیسی‌ها آب را بر روی آنها باز کرده. و همه آنها غرق شده و هیچ کدام از آنها باقی نمانده‌اند و جز او که از آنها دور شده بود هیچ کس نجات نیافت، شواهد نشان می‌دهد که انگلیسی‌ها میرزای شیرازی دوم رهبر قیام دهه بیست را نیز مسموم کردند. آنها توسط عطاری که دارو می‌فروخت دست به این عمل زدند و به این ترتیب که وقتی میرزا شخصی را نزد عطار فرستاد تا برای او مقداری دارو بخرد عطار آن سم را فرستاد و میرزا به گمان اینکه آن دارو است آن را نوشید و به دنبال آن آثار مسمومیت بر وی ظاهر شد و پس از آن درگذشت. آنان آخوند خراسانی را نیز پس از قیام مشروطیت که به رهبری او برپا شده بود به قتل رسانیدند. ماجرا از این قرار بود که در آغاز شب نشانه‌های بیماری بر وی ظاهر نبود اما شب که از نیمه گذشت آخوند به سبب درد شدید شکم بیدار شد این درد او را مهلت نداد و وی پس از چند ساعت درگذشت و با مرگ او مشروطه شکست خورد و بیگانگان رضا خان پهلوی را سرکار آوردند تا بر ایران حکومت کند.

پسر میرزا تبعید می‌شود

پسر میرزا تبعید می‌شود انگلیسی‌ها وقتی به عراق آمدند این شعار را سر می‌دادند که (ما برای رها کردن شما آمده‌ایم نه به عنوان فاتح و اشغالگر) اما چندی از اشغال نگذشت که دروغ بودن این ادعا معلوم گشت چون آنها جنگ خونباری را بر ملت تحمیل کردند. و مردم را درگیر و دار انقلاب دهه بیست به قتل رساندند و علماء و مراجع ایشان را پس از آنکه نسبت به بودن آنها در بین مردم احساس خطر کردند، تبعید نمودند. سلاح علماء آیه کریمه‌ای بود که می‌فرماید: (لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا) (سوره نساء: آیه ۱۴۱) چون همین آیه برای بسیج کردن ملت علیه اشغال انگلیسی‌ها، کافی بود. از شیوه‌هایی که اشغالگران انگلیسی به آن دست زدند تبعید رهبران انقلاب بود. آنها با تبعید بزرگانی مانند شیخ محمد رضا پسر میرزای شیرازی دوم (عبد الله هاشمی در کتاب خود (الشجرة الطيبة) صفحه ۷۰ در توصیف شیخ محمد رضا شیرازی می‌نویسد وی فردی دانشمند، فاضل، هوشمند، و مجاهد بود و در جریان جهاد پدرش علیه استعمارگران انگلیسی در انقلاب سال ۱۳۳۸ هجری نقش بزرگی را ایفا کرد و یکی از محورهای انقلاب بود و دستورات پدرش را برای هدایت انقلاب اجرا می‌کرد تا اینکه استعمارگران وی را دستگیر کرده و به خارج از کشور تبعید کردند.) و سید محمد علی طباطبائی و سید کشمیری، زشت‌ترین جنایات و بی‌حرمتی‌ها را در حق اسلام و مسلمانان مرتکب شدند و حتی مسجد کوفه را بمباران کردند. یکی از کسانی که در آن قیام شرکت داشت برای من نقل می‌کرد که نزدیک کربلا جسدی را دیدم که گلوله او را مانند صافی سوراخ، سوراخ کرده بود انگلیسی‌ها نسبت به عشایر نیز حرمت شکنی کردند، آنها سراغ شیخ ضاری آمدند و به بدترین شکل به وی اهانت کردند اما شیخ در مقابل برخورد آنان شکیبایی به خرج می‌داد و این برخورد انگلیسی‌ها خشم فرزندان وی را برانگیخت و آنان در صدد، دفاع از پدر برآمدند در نتیجه با انگلیسی‌ها درگیر شدند که نتیجه این درگیری تلف شدن عده‌ای از مردم بود. وقتی اعلان عفو شد آنها برخی را از جمله شیخ ضاری مستثنی کردند با اینکه او نقشی در کشتن (لجمن) افسر انگلیسی نداشت. به هر حال تلاشهای میرزای شیرازی برای برگرداندن اینها به وطنشان با شکست روبرو شد و پسر میرزا نیز در نهایت به ایران پناهنده شد و تا زمان فوتش آنجا سکونت نمود.

سفر عمویم

سفر عمویم در اواخر حکومت عثمانی‌ها آشفتگی و نابسامانی همه مؤسسات دولتی را فرا گرفته بود و دولت عثمانی مردم را به طور اجباری به خدمت نظام می‌فرستاد با اینکه اسلام هیچ کس را بر کار خاصی اجبار نمی‌کند و ما این را به طور مفصل در کتاب‌های موازین اسلامی ذکر کرده‌ایم. به هر حال سربازی در سپاه عثمانی مشکل عمده‌ای بود که همه دچار آن بودند به طوری که خدمت نظام حکم اعمال شاقه را برای مردم داشت تا جایی که بعضی از افراد که به سربازی فرا خوانده می‌شدند عمداً یکی از دو چشم شان را می‌کنند تا از خدمت معافشان کنند. و اما دوران سلطان عبدالحمید، شاهد فجایع بیشتر و تلخ‌تری بود بدین ترتیب که در زمان او حتی کسانی که چشمان خود را کور کرده بودند به خدمت گرفته می‌شدند و مثلاً آنان را به کارهاییکه مناسب ایشان بود موظف می‌کردند در این فضای تیره و تاریک عموی من سید عبد الله شیرازی آمدند (وی در پنجم صفر سال ۱۲۹۴ متولد شد عبد الله هاشمی در کتاب خود الشجرة الطیبه صفحه ۶۶ و ۶۷ در باره وی می‌نویسد او مردی فاضل و بزرگوار بود و خوش اخلاقی اش تا امروز مثال زدنی است او ملازم مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی بود.) و خواستند وی را به زور به سربازی ببرند و معمولاً این طوری بود که فردی که به سربازی برده می‌شد دیگر به خانه‌اش بر نمی‌گشت. بردن عموی ما سید عبد الله خلاف معاهده‌ای بود که آنروز دولت عثمانی با دولت ایران منعقد کردند به موجب این معاهده دو دولت مذکور می‌بایست از به خدمت سربازی گرفتن مهاجران دو کشور خودداری کنند. اما استبداد به قراردادهای مقید نیست و قانون را خوش نمی‌دارد به ویژه در صورتی که قانون دینی باشد از این رو عموی ما ناچار به ترک عراق شد تا از سرنوشت نامعلومی که در سربازی انتظارش می‌کشید رها شود وی مدتی بیرون از کشور باقی ماند تا اینکه ناچار شد همه افراد خانواده اش را ترک کند و به ایران سفر نماید، سپس به مشهد مقدس رفت و مدتی در آنجا اقامت نمود و همانجا در گذشت. و بدین سان سرنوشت این خاندان با آوارگی و مرگ در غربت رقم خورد که همه اینها پیامد سیاستهای خودکامه‌ای بود که حاکمان جابر اعمال می‌کردند. در زمان ما نیز صدام همین سیاست را اعمال کرد و میلیونها تن از ملت عراق را به بهانه‌های مختلف آواره نمود و آشکارا ارزشهای انسانی و قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشت.

رنج و آزارهایی که پدرم از حکام دید

رنج و آزارهایی که پدرم از حکام دید محل اقامت پدر من (قدس سره) شهر سامرا بود وی در جنگ جهانی دوم از آنجا رانده شد و به ناچار به کاظمین کوچ کرد او درباره زندگیش در کاظمین می‌نویسد (من شش ماه در کاظمین ماندم و در این مدت جز خرمای زاهدی و خیار، خوراکی نداشتم قحطی چنان بر ما غالب شد که ما نتوانستیم روزانه بیش از یک قرص نان بدست بیاوریم و این قرص نان را برای مادر که بیمار بود و نیاز به رسیدگی ویژه داشت کنار می‌گذاشتیم). والد گرامی بعداً به شهر کربلا منتقل شد و در معیت دائی شان میرزای دوم رهبر انقلاب دهه بیست، در آمد تا در فعالیتهای انقلاب وی را کمک کنند. پس از مرگ میرزا والد گرامی به نجف اشرف منتقل شد. و تا زمان درگذشت دائی‌ام سید میرزا علی پسر سید مجدد شیرازی آنجا باقی ماند و بار دیگر و در پی درخواست مصرانه سید حسین قمی (قدس سره) به کربلا مهاجرت نمود و تا زمان وفاتش (۱۳۸۰ هجری) آنجا بود. سال مذکور سال غم و اندوه بود چون جهان اسلام چهار تن از بزرگان دین و تشیع را از دست داد که عبارت بودند از شیخ محمد خطیب، سپس والد اینجانب بعد سید آقا میرزا قزوینی، و چهارمین آنها مرحوم آیت الله بروجردی. خداوند همه این بزرگواران را رحمت کند. من چند سال پس از والد در کربلا ماندم تا اینکه تعقیب و پی‌گرد ما مجدداً آغاز شد، من به ناچار به کویت رفتم و اما اخوی اینجانب سید حسن (رحمه الله علیه) انواع آزار و شکنجه را در زندانهای عراق متحمل شد؛ ما در کتاب (الصیغه الجدیة)

انواع شکنجه‌ها و روشهای آنان را در فصل مستقلی ذکر کرده‌ایم به هر حال اخوی پس از آزادی راهی لبنان شد و همانجا نیز توسط دستگاه اطلاعات عراق ترور شد. پیکر ایشان به قم منتقل و در حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) به خاک سپرده شد بنده نیز در خانها م تحت نظر قرار گرفتم و ماجراهایی بر من گذشت که اگر خواسته باشم آزار و اذیت‌هایی که دیده‌ام بنویسم حداقل یک کتاب پانصد صفحه‌ای خواهد شد. آنان به این هم اکتفا نکردند و کار را به جایی رساندند که دو پسر م سید مرتضی و سید مهدی و همین طور تعدادی از خویشاوندان و دامادها و دوستان را بازداشت کردند و برخی را نیز آواره نمودند (الصياغة الجديدة لعالم الايمان والحرية والرفاه و اسلام صفحه ۵۹۳ - ۵۸۲ مؤسسه البلاغ، بیروت. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب (المظلومیة ضریبة الوعی العلی) حسین عبد الله و کزاس (مسیرة العالم المجاهد السید مرتضی شیرازی)). و همین طور عده؟ بسیاری از علما و طلاب را از شرکت در جلسات درس من باز داشتند و کارکنان مؤسسات ما را پس از آنکه بسیاری از مؤسسات را مصادره کردند و ادار به ترک آنجا نمودند همین طور دو فرزند دیگرمان تحت تعقیب در آمدند به طوری که یکی از آنها ناچار شد به کویت و دیگری به سوریه هجرت کنند. آری خاندان ما از یک قرن پیش همچنان تاوان وابستگی و خویشاوندی خود را به احیاء گر بزرگ شیرازی جد پدرم و تاوان خویشاوندی خود با میرزای شیرازی دوم رهبر انقلاب دهه بیست یعنی دانی پدرم و همین طور تاوان نشر کتابهای آگاهی بخش و بنای مؤسسات خدماتی خود را میبازد. ماجرای عموزاده اینجانب سید عبدالهادی شیرازی (وی در سال ۱۳۰۵ متولد و در سال ۱۳۸۲ درگذشت، ایشان از شاگردان آخوند خراسانی و شیخ اصفهانی و میرزای نائینی به شمار می‌رود، پس از فوت مرحوم آیت الله بروجردی مرجعیت به ایشان رسید) که در سامراء تحت تعقیب و آزار قرار گرفت و ناچار راهی نجف شده و در آنجا اقامت گزید. ایشان یک بار به من گفتند: زمانی که من به نجف آمدم، حدود ۱۴ مدرس اخلاق در نجف بود، و پوشیده نماند که پاره‌ای از آنها صاحب کرامت بودند و کارهایی انجام می‌دادند، و در این باب داستان‌های زیادی در احوالات آن بزرگواران ذکر شده. کاملاً واضح است که حوزه علمیه لااقل نیاز به چهار نوع درس دارد. ۱- ادبیات که عبارت است از صرف و نحو و منطق و بلاغت و درس‌هایی مانند آن. ۲- فقه و اصول با دایره گسترده‌ای که دارند. ۳- اخلاق به معنای وسیع خود. ۴- تاریخ پیامبر و ائمه اطهار (سلام الله علیهم) و ذکر بخشی از تاریخ انبیاء. به علاوه علوم دیگری نیز مانند علم رجال و درایه و مقداری از حساب و هندسه و فلک به میزانی که در رابطه با فقه و ارث و قبله و مانند آن که خوانده می‌شود و همین طور علوم دیگری به نام دروس تطبیقی برنامه‌هایی که خود در رابطه با آنها بوده‌ایم همه برنامه‌هایی بوده‌اند که در حوزه‌های علمیه نجف و کربلاء از یک نیم قرن پیش دنبال می‌شده. همین طور معمول آن بوده که مقداری از طب (قانونچه) و شرح نفیسی و شرح منظومه سبزواری و شرح تجرید علامه حلی و... نیز خوانده می‌شده. به هر حال عموزاده اینجانب تا زمان فوتشان در نجف اشرف باقی ماند که بنده در مراسم تشییع و تدفین ایشان حضور داشتم. در زمان حیاتشان مصائب و ناگواری‌های زیادی دامن گیر وی و خانواده‌اش شد و در این اواخر نیز پسر ایشان سید ابراهیم و نوه او زندانی شدند و تا کنون از سرنوشت آن اطلاعی در دست نیست. از خداوند مسألت داریم با سقوط صدام و دار و دسته‌اش اسباب آزادی آنها فراهم آید و امیدوارم زندانیانی که بنا به برخی آمارها تعدادشان به نیم میلیون نفر می‌رسد و تعداد ده هزار، زن نیز در میان ایشان است آزاد شوند. زندانیانی که هیچ گناهی ندارند جز این که از مؤمنان هستند و می‌گویند، پروردگار ما خدای یکتاست. گفتنی است که مراسم تشییع سید عبدالهادی شیرازی (قدس سره) همزمان بود با جشن‌های حکام عراق به مناسبت موفقیت کودتای خونین شان در شباط (هم‌زمان بود با کودتای عبدالسلام عارف همراه افسران کودتای نظامی علیه عبدالکریم قاسم در هشتم شباط سال ۱۹۶۳م). و همین امر از تعدا تشییع‌کنندگان کاست لذا جمعیتی که شایسته این شخصیت بزرگ باشد نتوانستند در مراسم شرکت کنند. آن چه از آن پرهیز داریم اتفاق افتاده. شاعر می‌گوید: ايتها النفس اجملی جزعا ان الذی تخدرین قد وقعا ای نفس با بی‌تابی خویش مدارا کن، چون آن چه از آن پرهیز داری اتفاق افتاد. حقیقت اینست که هیاهو و نوحه و زاری چاره کار نیست، تنها چیزی که سودمند است عمل است و بدون آن چه بسا این رنج و محنت خدایی نکرده

تا قرن‌ها ادامه پیدا کند. کار و تلاش لازم نیز چیزی نیست جز بیدار نمودن و آگاهی دادن. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: (لیت السیاط علی رؤوس اصحابی حتی تفقهوا) (بحار الانوار: ج ۱ ص ۲۱۳ ج ۱۲ ب ۷۶. و در المحاسن: ج ۱ ص ۲۲۹ ج ۱۶۵ به اضافه در (فی الحلال والحرام)، روایات فراوانی تحت عنوان (تفقه) یعنی فهم رسیده است، امام صادق (ع) می‌فرماید (لوددت أن أصحابی ضربت رؤوسهم بالسیاط حتی تفقهوا). اصول کافی ج ۱ ص ۳۱ ج ۸. (مایل بودم با تازیانه بر سر اصحابم زده می‌شد تا در (دین) فهم و تفقه می‌کردند) و نیز فرموده است (علیکم بالتفقه فی دین الله تعالی ولا- تکونوا أعرابا فان من لم یتفقه فی دین الله لم ینظر الله الیه یوم القیامه و لم یزک له عملاً) در دین خدا تفقه و فهم کنید و همچون اعراب (جاهلان) نباشید چون کسی که در دین خدا فهم و تفقه نکند خداوند در روز قیامت به او ننگرد و عملی از برای او پاک نگردد. کاش بر سر اصحاب من تازیانه بود تا فهم و تفقه می‌کردند. و مراد از فقه در این روایت معنای لغوی آن است نه معنای اصطلاحی اش و فقه در معنای لغوی اش فهم دین و دنیا است. (در قاموس فیروزآبادی ج ۴ ص ۲۹۱ آمده است. (این الفقه فی اللغه هوالفهم) فقه در لغت فهمیدن است همین روایت در تهذیب ازهری ج ۵ ص ۴۰۵ آمده است.) و خداوند می‌فرماید: (و منهم من یقول ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار، اولئک لهم نصیب مما کسبوا) (سوره بقره: آیه ۲۰۱). بعضی دیگر می‌گویند بار خدایا ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت هر دو بهره‌مند گردان و از شکنجه آتش دوزخ ننگه دار، هریک از این دو فرقه از نتیجه اعمال خود بهره‌مند خواهد گشت. و در حدیث آمده: (لیس منا من ترک دنیا لآخرته ولا آخرته لدنیا). (وسائل الشیعه: ج ۱۷ ص ۷۶ ب ۲۸) کسی که دنیای خود را برای آخرت و آخرتش را برای دنیا رها کند از ما نیست. امت اسلامی ما امروز سخت نیازمند آگاهی و بیداری است و این کار نیاز به بسیج همه ابزارها و وسایل ممکن از قبیل رادیو، تلویزیون، نشریات، مجلات و شبکه‌های فضایی و شبکه‌های اینترنت و بالاخره کتاب دارد. باشد که پس از بسیج همه این امکانات خداوند فرجی ایجاد کند. ما در جای دیگری ماجرای (آجاسا کریستی) آن خانم نویسنده بریتانیایی را ذکر کردیم که تعداد کتابهای چاپ شده‌اش به یک میلیارد می‌رسد و هرگز گزارف نگفته‌ایم اگر اذعان کنیم که ما نیز برای گسترش آگاهی اسلامی نه فقط میان مسلمانان بلکه میان غیر مسلمانان به سه میلیارد کتاب نیاز داریم. و این سه میلیارد کتاب برای معرفی درست دین اسلام است و کاملاً واضح است که این معرفی باید با استفاده از منابع درست یعنی کتاب و سنت (متواتر) صورت پذیرد هدف این کتابها که باید به زبانهای مختلف باشد گرد آوردن شریعت در حوزه اسلام است غرب باید حقیقت اسلام را بفهمد و میان اسلام واقعی و اسلام بنی‌امیه و بنی‌عباس و بنی‌عثمان فرق نهد. در چنین صورتی است که هدف مطلوب تحقق خواهد یافت و در این راه وعده به حق الهی که می‌فرماید: (ادعونی أستجب لکم) (سوره غافر: آیه ۶۰) همراه و یاور ما خواهد بود. پس باید از یک قطره از یک کلمه و از یک گام آغاز کنیم قطره قطره جمع گردد و آنگهی دریا شود. و کلمات کنار هم قرار می‌گیرند تا به حماسه‌ای مبدل گردند و گامها پشت سرهم می‌آیند تا مسیر طولانی و بلند را پدید آورند. و این سنت تغییرناپذیر الهی در نظام هستی است.

بحران تمدن (انسانی)

بحران تمدن (انسانی) غربی‌ها و تحلیل‌گران سیاسی در باره علل و اسباب بحران کنونی تمدن، آراء گوناگونی ارائه داده‌اند اگرچه همگی اتفاق نظر دارند که یک بحران خطرناکی وجود دارد که اگر برای آن چارجویی نشود می‌تواند به فروپاشی بیانجامد اما همه علل را ذکر کرده‌اند که همه یا جزئی هستند یا غیر واقعی زیرا علت واقعی بحران تمدن کنونی بشر دورماندن از دین و ارزش آسمانی است؛ تمدن کنونی گرچه متکی به دانش است. اما این اتکا برای نگه‌داری آن کافی نیست در واقع دانش فقط برای نظارت اوضاع ظاهری بشر کافی می‌باشد اما زندگی صرفاً مبتنی بر ظاهر نیست بلکه به باطن نیز نیازمند است، آری تنها دین و ایمان به خدا و روز رستاخیز می‌تواند ناظر ظاهر و باطن باشد، چون قانون و پلیس و نظارت ظاهری توسط احزاب و جز آن نمی‌تواند باطن

را حفظ کند. در دو گزارش جداگانه خواندم که بیشتر دختران بریتانیا و تایلند در دوازده سالگی بکارتشان را از دست می‌دهند و این پی‌آمد تربیت نادرست است و چه بسا خود پدران و برادران نخستین کسانی باشند که چنین عمل زشتی را انجام می‌دهند، و این کردار در اغلب کشورهای غربی رایج است زیرا پی‌آمد بی‌بند و باری ناشی از آزادی‌های قانونی و یا معمول در روابط جنسی است. همین‌طور سرقت پنهانی، کشت و کشتار و اعتصابهای متعدد بنا به اعتراف خودشان روز به روز در حال افزایش است، آنها تا کنون نیز به سبب نبودن عوامل بازدارنده نتوانسته‌اند از این (جنایات) پیش‌گیری کنند. لذا آیین مسیحیت نمی‌تواند مسیحیان را از ارتکاب زشت‌ترین جنایات‌ها باز دارد، چرا که کتابشان به نوشته‌ای مبدل شده که این مفسد را رواج می‌دهد، لوط (العیاذ بالله) با دختران خود در می‌آمیزد و عیسی مسیح ساقی می‌گساران است (العیاذ بالله). این چیزی است که در کتاب مقدسشان آمده است ما قبلاً بخشی از تحریف‌های کتاب مقدس را در کتاب (خرافات در کتب مسیحیان) نقل کرده‌ایم. اکنون چطور ممکن است عامل گرونده به این خرافات را از ارتکاب گناهان و معاصی باز دارد، در واقع نیرومندترین عاملی که مردم را از غلتیدن در منجلاب فساد و گمراهی نگه می‌دارد همان دین است و بس. چرا که دین احساس ترس از خدا و روز رستاخیز را در انسان برمی‌انگیزد و این چیزی است که اسلام به ایمان آورندگان عطاء می‌کند. بنا بر این دولت هرچه خشن و قاطع عمل کند نمی‌تواند مانع آشفتگی و فروپاشی روح انسان شود. و او را در کشیده شدن در پی لذتها باز دارد، لذا چیزی نخواهد گذشت که جوامع غربی در خواهند یافت که رهایی آنها در اسلام است و در خواهند یافت که اساس شکوفایی تمدنش در پیروی از این دین مبین است. به هر حال با اسلام است که غرب می‌تواند خود را از گزند فجایع و آفت‌ها حفظ و از ضایعات دو جنگ جهانی گذشته و جنگ سوم که در پیش است پیش‌گیری کند، قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره نموده می‌فرماید. (و من اعرض عن ذکری فان له معیشتةً ضنکاً) (سوره طه: آیه ۱۲۴) هر که از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگی (سختی) خواهد داشت. عوامل و اسباب فروپاشی که امروزه در شرق و غرب شاهد آن هستیم به روشنی مصداق این تنگی و دشواری است.

ایدئولوژی

ایدئولوژی بسیاری افراد از بدی‌های ایدئولوژی سخن می‌گویند زیرا چیزی که بیشتر در این رابطه تداعی می‌شود، ایدئولوژی‌های کمونیستی، بعثی، نازیسم، شونیستی و فاشیستی است. اما حقیقت این است که هر ایدئولوژی بد نیست مثلاً تمایز اسلام از همه ایدئولوژی‌ها در این است که منبع آن وحی است و پیاده‌کنندگان آن رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) هستند که در دوران خود با اجرای درست احکام و مقررات اسلام عدالت و برادری را گسترش دادند، برخلاف عملکردهای برخی که با اجرای غلط احکام دین چهره اسلام را زشت جلوه دادند. تسامح رسول اکرم (ص) به حدی رسید که یهودیان را با مسلمان یک امت قرار داد و این در نوشته‌ای که نخستین قانون حکومت اسلامی بوده، آمده است، حضرت حتی با دشمنانی که به رویش شمشیر کشیده بودند نرم برخورد کرد. در زمینه آزادی می‌فرماید (لا- اکراه فی الدین) (سوره بقره: آیه ۲۵۶) اکراه و اجباری در دین نیست. و عیسی مسیح می‌فرماید: (ولا تکونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحکمکم) (وسائل الشیعه: ج ۱۵ ص ۲۷۶ ب ۳۰) علمای زورگویی نباشید تا باطل شما حق شما را ضایع کند. آری بنی‌امیه و بنی‌عباس و بنی‌عثمان اسلام را به میل خود پیاده نمودند و مردم گمان بردند که اسلام آن چیزی است که این احکام اجرا می‌کند. ما اگر به اسلامی که در قرآن و سنت آمده رجوع کنیم و اجرای دقیق دین را توسط رسول اکرم (ص) مورد ملاحظه قرار دهیم، اسلامی را خواهیم یافت در کمال آزادی و آسایش و واقع‌گرایی، ما بندهایی از آن را در کتاب دیگری مورد اشاره قرار داده‌ایم. پس ایدئولوژی اسلامی با آن معنایی که گفتیم عبارت است از: انسجام و پیوستگی میان عقل و فطرت و هر انسان خردمندی خود به خود به این ایدئولوژی میل پیدا می‌کند، برخلاف ایدئولوژی‌های دیگر همچون مارکسیسم و امثال آن که به هیچ وجه با فطرت تناسب ندارد و از این رو همه از آن گریزان و بیزار هستند. آری اسلام از

ایدئولوژی‌های غربی که دچار فساد و بی‌بندوباری اجتماعی و خانوادگی هستند برتر است، در واقع نابودی این ایدئولوژی‌ها تنها درمان آنها است که به دنبال آن بشریت از شر آنها رهایی یابد. با ژرف نگری در تاریخ این حقیقت برای ما آشکار می‌شود مثلاً در جنگ جهانی دوم و رهایی از نازیسم در رفتن هیتلر بود که سمبل قدرت، آلمان نازی به شمار می‌رفت و دیدیم پس از رفتن او اوضاع آلمان سامان گرفت و این کشور در ابعاد اقتصادی سیر صعودی خود را آغاز کرد. واقعا اگر نازیسم و فاشیسم تا امروز می‌ماندند چه می‌شد! واضح است که جهان هنوز هم با بدبختی‌ها و ناگواری‌های جنگ و آشوب دست به گریبان بود. آری با مرگ هیتلر نازیسم فرو پاشید و آلمان راحت شد. و با مرگ موسولینی باتیر ملت ایتالیا نیز، کشورش رهایی یافت و با مرگ استالین که توسط پزشک مخصوص او با تزریق آمپول مسموم صورت گرفت. روسیه راه خود را باز یافت و به حرکت خود ادامه داد تا این که به دوران (گورباچف) یعنی آخرین رئیس جمهور شوروی سابق رسید. شایان ذکر است که استالین دریافته بود که صرفاً با اقتصاد نمی‌تواند در برابر قدرت سرمایه‌داری بین‌المللی مقاومت کند، از این رو سعی کرد آزادیهای اندکی بدهد لذا ملت را در عبادت کردن آزاد گذاشت اجازه فعالیت جزئی اسلام و مسیحیت را در کشورش داد و این عامل شکست کمونیست بود که دین را افیون توده‌ها می‌دانست. روزگار ما روزگار سقوط ایدئولوژی‌هاست، ما خود شاهد سقوط مارکسیسم بودیم. (امام شیرازی ده سال پیش از سقوط مارکسیسم این فروپاشی را پیش‌بینی کردند در کتاب (مارکس ینهم) در سال ۱۳۴۰ چاپ شد، این فروپاشی را پیش‌بینی کردند.) و نیز شاهد ناتوانی ایدئولوژی ملی در کشمکش طولانی اش با اسرائیل بوده‌ایم، در واقع شایسته بود قومیت جای خود را به اسلام می‌داد تا بتواند جبهه گسترده‌ای در رویارویی با صهیونیسم جهانی بگشاید. (فلسطین خود بهترین گواه بر این مدعاست مدت‌ها ایدئولوژی‌های گوناگون در فلسطین فعالیت کردند، اما هیچ کدام نتوانستند چیزی به ملت فلسطین بدهند در حالی که از زمان شروع فعالیت‌های (حماس) علیه اسرائیل، ما شاهد دگرگونی‌ها و از جمله عقب نشینی در مواضع اسرائیل بوده‌ایم چرا حماس توانست وضع جدیدی را در داخل فلسطین پدید آورد. و ملت را علیه اشغالگران بسیج کند، زیرا ملت قبل از هر چیز مسلمان هستند، همین طور سایر ملت‌های اسلامی که راه اسلام را می‌پیمایند، امام شیرازی اشکالات خود بر نظم‌های ملی گرا در کتاب (القومیات فی خمسين سنه) ذکر کرده‌اند.) همین طور شاهد ایدئولوژی بعثی بوده‌ایم که هرگز نتوانست در برابر دین طبیعی مردم که همان اسلام است مقاومت کند، و دیدیم که با این ایدئولوژی عراق عقب مانده‌تر و ویران‌تر شد که تا کنون نیز این وضع تأسف بار ادامه دارد. بنا بر این فقط اسلامی که در قرآن و سنت آمده ضامن پیشرفت مسلمانان و آزادسازی سرزمین‌های آنهاست، نه اسلامی که حاکمان ستمگر آن را به عنوان سرپوشی برای استبداد و خودکامگی خود بر می‌گزینند. اسلام آن گونه که نازل گردید. حضرت عیسی (ع) فرمود: (لا تکونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم) (وسائل الشیعه: ج ۱۵ ص ۲۷۶ ب ۳۰. همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که: (اطلبوا العلم و تزینوا معه بالحلم والوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم ولا تکونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم) اصول کافی ج ۱ ص ۳۶ ج ۱. دانش بجوید و همراه آن آراسته به بردباری و وقار شوید و برای کسی که به او دانش می‌آموزید تواضع کنید و در مقابل کسی که از او دانش فرا گرفته‌اید فروتنی نمایید و علمای زورگو نباشید تا باطل حقتان را ضایع کند.) علمای زورگویی نباشید تا باطل حق شما را ضایع کند. بنده خودم پنجاه سال پیش در عراق شاهد بودم که یک دهم مفساد اکنون وجود نداشت حجاب کاملاً رعایت می‌شد، مظاهر دین داری در میان مردم آشکار بود رباخواری رد می‌شد و شراب خواری و روسپی‌گری به هیچ وجه وجود نداشت. در ماه مبارک رمضان نشانه‌های روزه داری همه جا دیده می‌شد، هیچ کس را نمی‌دید که تظاهر به روزه خواری کند، همه نماز بجای می‌آوردند، این همه مظاهر رایج دین داری بود اما بعداً اوضاع کاملاً برعکس شد. (جناب مؤلف (دام‌ظله) طی بحث‌ها و گفتگوهای خود حاکمان عراق را به اصلاح مفسادی که خود پدید آورده فرا خواند وی بخشی از آنها را در کتاب (تلك الايام) آورده است.) اکنون می‌پرسیم چرا این اتفاق افتاد در حالی که اسلام همان اسلام، قرآن همان قرآن و مسلمانان همان مسلمانان هستند. آری دشمنان اسلام کمونیسم شرق و سرمایهداری

غربی صهیونیسم و همین طور وابسته‌گان آنها یعنی بهائی‌ها و قادیانی‌ها اصول ویرانگری را در میان مسلمانان گسترش دادند. از این رو احزاب کفر پیشه، پشت سر هم در کشورهای اسلامی پیدا شدند و غرب و شرق در کشورهای اسلامی جای پا پیدا کردند، در این رابطه می‌توان به (خاطرات مسترهمفر) و (خاطرات داکورکی) مراجعه نمود. به هر حال پیامد برگشتن مسلمانان از ایمان و عقیده شان آن بود که حکومت نیز تغییر کرد. زیرا قبلاً حکومت در کشورهای اسلامی در دست افراد امین بود اما به یک باره به دست نابکاران افتاد بی‌تردید مردم در معرض تغییر هستند، و ما از سویی ضعف درونی آنها و از سوی دیگر عامل بازدارنده نیرومند را در مقابل آنها می‌بینیم و این دو باعث می‌شود تا دین در دل آنان جای نگیرد و به دنبال آن عمل شان نیز به سستی گراید. باید دانست راهی برای بازگشت اسلام وجود نخواهد داشت جز با تقویت ایمان در دلها از یک طرف و ایستادن در مقابل فرهنگ شرق و غربی پی آمدهای آنها از طرف دیگر. در قبل یادآور شدیم که یک زن بریتانیایی به نام (آجاساکریستی) تعداد کتابهای منتشر شده‌اش به یک میلیارد نسخه می‌رسد و جایی خواندم که وی (۱۱۴) کتاب تألیف کرده است و یکی از کتاب هایش به (۱۰۳) زبان ترجمه شده و تعداد چاپ یکی از ترجمه‌ها به حدود (۱۵۰) میلیون نسخه رسیده است. و روشن است که این میزان انبوه از فرهنگ غرب که از طریق کتاب و دیگر رسانه‌ها در کشورهای اسلامی منتشر می‌شود نمی‌گذارد اسلام به نفوس و دلها راه یابد و گفته‌اند چون سلطان تغییر کند، زمان هم تغییر می‌کند و عکس این نیز درست است چون در حدیث است که: (کما تکنونوا یولی علیکم) (نهج الفصاحه: ص ۴۶۲ ح ۲۱۸۲). هرطور باشید همان طور به شما حاکم گمارده می‌شود (بر شما حکومت می‌شود). بنا بر این ملت و دولت بر یکدیگر تأثیر گذارند. ما نیز در دنیای اسلام به روند پرشتاب آگاهی دادن و نشر و چاپ نیازمندیم در واقع مشکل اسلام، مشکل بیداری و آگاهی است و راه درمان این مشکل نیز گسترش بیداری و آگاهی همه جانبه است و البته یکی از ابزارهای این کار نشر کتاب است. و این تنها راه تغییر پدید آوردن در جامعه اسلامی بالنده است. سبحان رب العزّة عما یصفون...

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴-۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

